

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵

بررسی وضعیت عمومی مردم و جامعه جهانی در روایات آخرالزمان

محمد مهدی حائری پور^۱

چکیده

در روایات معصومین پیشگوئی‌های فراوانی درباره حوادث قبل از ظهور بیان شده است که بخشی از آن درباره وضعیت عمومی جامعه بشری در دوره آخرالزمان و پیش از ظهور مهدی موعود علیه السلام است. در این روایات روابط غلط و نابهنجار حاکم بر مردم در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی مانند حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و... بیان شده است که تصویر بسیار زشتی از آن دوران را نشان می‌دهد. بررسی ابعاد گوناگون این حوادث با تحلیل و توضیح این دسته از روایات می‌تواند سوالات فراوانی را پاسخ داده و نتایج کاربردی برای امروز جوامع اسلامی در برداشته باشد؛ بویژه بحث درباره چرایی و فلسفه بیان این پیشگوئی‌ها در لسان معصومین می‌تواند درس‌های فراوانی برای آحاد مسلمانان و به خصوص مسئولان و متولیان جامعه داشته باشد.

واژگان کلیدی

روابط، فساد، آخرالزمان، زنان، جامعه، امام مهدی علیه السلام، ظهور.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (mm.haeri313@gmail.com).

مقدمه

آخراالزمان که در کتاب‌های لغت به «دوره آخر» و «قسمت واپسین از دوران که به قیامت می‌پیوندد» معنا شده است، در فرهنگ و ادبیات بسیاری از ملل و نحل به ویژه پیروان ادیان ابراهیمی، از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و آنها با حساسیت و دقت فراوانی این موضوع را دنبال می‌کنند. شاهد این موضوع، کتاب‌های فراوانی است که از دیرزمان در میان اقوام و ملل مختلف در زمینه نشانه‌ها و ویژگی‌های آخراالزمان نوشته شده است.

مسلمانان نیز با توجه به روایت‌های فراوانی که از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام در زمینه آخراالزمان و رویدادها و حوادث آن نقل شده است، به این موضوع توجه فراوانی کرده و افزون بر جمع‌آوری این روایات، در مجموعه‌های روایی به نگارش کتاب‌های مستقل در این زمینه پرداخته‌اند که این کتاب‌ها معمولاً با عنوان‌هایی چون «أشراط الساعة»، «علامات الساعة»، «علامات يوم القيامة»، «الفتن»، «الملاحم»، «الفتن و المحن»، «الفتن و الملاحم» و... نامیده می‌شود.

در دایرة المعارف بزرگ اسلامی در مورد اصطلاح آخراالزمان چنین آمده است: «این اصطلاح در کتاب‌های حدیث و تفسیر در دو معنا به کار رفته است: نخست، همه آن قسمت از زمان که بنا بر عقیده مسلمانان، دوران نبوت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و از آغاز نبوت پیامبر تا وقوع قیامت را شامل می‌شود. دوم، فقط آخرین بخش از دوران یاد شده که دوره حیات آخرین وصی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مهدی موعود علیه‌السلام است را شامل می‌شود که خود به دو دوره غیبت و ظهور آن حضرت تقسیم می‌شود.

بر اساس روایات اسلامی، در آستانه ظهور آن حضرت که از آن با عنوان آخراالزمان یاد می‌شود، جهان دست‌خوش فتنه‌ها، آشوب‌ها و بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی می‌شود و ستم و بی‌عدالتی همه جهان را فرا می‌گیرد. این وضعیت ادامه دارد تا زمانی که قائم آل محمد علیه‌السلام ظهور کند و با ظهور خود، جهان را از تیرگی ستم، فساد و تباهی برهاند.

شناخت آخراالزمان به این معنا، ضرورت انکارناپذیر روزگار ماست؛ زیرا بسیاری از فتنه‌ها در این عصر هویدا می‌شود و بیم آن می‌رود که با اندک غفلتی ما نیز در گرداب فتنه‌های فراگیری که به تعبیر روایات، چون رواندازی تیره، همه را دربرمی‌گیرد و کمتر کسی از آن در امان

۱. چنان که در روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در توصیف امام مهدی علیه‌السلام آمده است: ... يَقُومُ بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ... (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۹)

می ماند، فرو رویم.^۱

بخش قابل توجهی از روایات به پیش گویی درباره حوادث و رخداد‌های آخرالزمان پرداخته است و در این میان روایاتی است که وضعیت دینی و اجتماعی مردم و نوع روابط ایشان را در آن روزگار پیشگویی کرده است. از این روایات استفاده می شود که گرچه عده قلیلی از مردم به ارزش ها و اصول دینی و ایمانی خود پایبند می مانند^۲ ولی بخش عمده انسان ها گرفتار انواع انحرافات اعتقادی و اخلاقی می شوند. فهم درست و تحلیل صحیح این روایات از سویی می تواند مانع بسیاری از برداشت های غلط و نیز آسیب های اجتماعی باشد و از سوی دیگر می تواند به درک صحیح نقش مردم در تحقق ظهور و تقویت روند زمینه سازی کمک کند. برای پرداختن به این موضوع لازم است در چند بخش، کار پژوهش و تحقیق انجام گیرد:

یک) بررسی متون روایی در موضوع حوادث اجتماعی

از آنجا که محور بحث در این موضوع روایات وارد شده در این زمینه است که هم در کتب شیعه و هم در منابع روایی اهل سنت به وفور آمده است؛ ابتدا باید این روایات استخراج گردیده و تبویب شود. با مطالعه اجمالی در این روایات معلوم می شود که در بعضی از آنها وضع اجتماعی آخرالزمان به صورتی کلی توصیف شده است ولی برخی دیگر از آنها به جزئیات این حوادث تصریح کرده است. چنان که در عده ای از این روایات به موارد کلیدی و محورهای اصلی رخداد‌های آخرالزمان پرداخته شده است مانند سلطه امراء سوء و ائمه جور که منشا بسیاری از انحرافات و ناهنجاریهای فردی و اجتماعی هستند و برخی دیگر از آنها به جزئی ترین موارد گناه و بدی در آن دوره اشاره کرده اند. بدیهی است که ارائه تحلیلی جامع و تصویری روشن از آخرالزمان، نیاز به بررسی همه جانبه این روایات دارد.

۱. ماهنامه موعود، شماره ۹۵، ابراهیم شفیعی سروسستانی. (با تلخیص و تصرف)

۲. مانند آنچه از پیامبر اکرم ﷺ در توصیف مومنان آخرالزمان آمده است: **اللَّهُمَّ لَقِنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا تَحْنُ إِخْوَانِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرَوْوِي لَقَدْ عَرَفْتَنِيهِمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لَأَخْذُهُمْ أَشَدُّ يَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْقَضَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيخُ الدُّجَى يُنْجِيهِمْ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءَ مُظْلِمَةً** خداوند! برادران مرا بمن بنمایان. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه! شما اصحاب من میباشید، برادران من مردمی در آخرالزمان هستند که بمن ایمان می آورند، با اینکه مرا ندیده اند. خداوند آنها را با نام و نام پدرانشان، پیش از آنکه از صلب پدران و رحم مادرانشان بیرون بیابند، بمن شناسانده است. ثابت ماندن یکی از آنها بر دین خود، از صاف کردن درخت خاردار (قتاد) با دست در شب ظلمانی، دشوارتر است. و یا مانند کسی است که پاره ای از آتش چوب درخت «غضا» را در دست نگاهدارد. آنها چراغهای شب تار میباشند، پروردگار آنان را از هر فتنه تیره و تاری نجات میدهد. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴)

یکی از این روایات، روایت مفضّلی است که از امام ششم شیعیان نقل شده است. امام صادق علیه السلام در ابتدای این روایت، در پاسخ یکی از یاران خود که با اشاره به برخورد تحقیر آمیز منصور عباسی با آن حضرت از ایشان می پرسد: «اینان تا کی باید سلطنت کنند و ما کی از آزار آنها [راحت و آسایش می یابیم.» می فرماید: «آیا نمی دانی که هر چیزی مدّتی دارد؟ ... آیا نمی دانی هر کس منتظر این امر باشد و در برابر آزار و ترسی که به او وارد می شود، شکیبایی پیشه کند، فردای قیامت در صف ما محشور می شود؟

آنگاه آن حضرت نشانه های آخر الزّمان یا عصر ظهور دولت حق را چنین برمی شمرد:

آنگاه که دیدی حق مرده است و اهل حق از میان رفته اند و ستم همه جا را فرا گرفته است و قرآن فرسوده شده و بدعت هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن به وجود آمده و دین بی محتوا شده است همانند ظرفی که آن را واژگون می سازند و اهل باطل بر اهل حق بزرگی می جویند و شر آشکار شده و از آن نهی نمی شود و هر که کار زشت انجام دهد معذورش می دارند و فسق آشکار شده و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده می کنند. مؤمن، سکوت اختیار کرده است و سخنش را نمی پذیرند و فاسق دروغ می گوید و کسی دروغ و افترایش را به او باز نمی گرداند و بچه کوچک، مرد بزرگ را خوار می شمارد و پیوند خویشاوندی بریده می شود و هر که را به کار بد بستایند، خوش حال می شود و پسر بچه همان می کند که زن می کند و زنان با زنان ازدواج می کنند و مداحی و چاپلوسی فراوان شده است و مرد، مال خود را در غیر راه طاعت خدا خرج می کند و کسی از او جلوگیری نمی کند و چون بیننده شخص مؤمنی را ببیند از کوشش او به خدا پناه برد و همسایه، همسایه خود را آزار می دهد و در این کار مانعی برای او نیست و کافر خوشحال است از آنچه در مؤمن می بیند و شاد است از اینکه در روی زمین فساد و تباهی می بیند و آشکارا شراب بنوشد و کسانی که از خدای عزّوجلّ نمی ترسند، برای نوشیدنش گرد هم می آیند و امر به معروف کننده، خوار است و فاسق در آنچه خدا دوست ندارد، نیرومند و ستوده است و اهل قرآن و هر که آنان را دوست دارد، خوار است و راه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرار گرفته است و خانه کعبه تعطیل شده است و دستور به ترک آن داده می شود و مرد به زبان می گوید آنچه را که به آن عمل نمی کند و مردان، خود را برای استفاده مردان فربه می کنند و زنان برای زنان، زندگی مرد از پس او اداره می شود و زندگی زن از فرج او و زنان مانند مردان برای خود انجمن ها ترتیب می دهند و در میان فرزندان عبّاس، کارهای زنانگی آشکار می شود (و خود را مانند زنان زینت می کنند، همان گونه که زن برای جلب نظر شوهرش، خود را آرایش می کند و به مردها پول می دهند که با آنها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند و توانگر از

شخص با ایمان عزیزتر است و رباخواری آشکار است و رباخوار سرزنش نمی‌شود و زن‌ها به زنا افتخار می‌کنند و زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می‌کند و بیشتر مردم و بهترین خانه‌ها آن باشد که به زنان در هرزگی شان کمک می‌کنند و مؤمن به خاطر ایمانش غم ناک و پست و خوار می‌شود و بدعت و زنا آشکار می‌شود. مردم به شهادت ناحق اعتماد می‌کنند. دستورهای دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر می‌شود و حلال، تحریم شود و حرام، مجاز و مردم چنان در ارتکاب گناه گستاخ شده‌اند که منتظر رسیدن شب نیستند و مؤمن نمی‌تواند کار بد را نکوهش کند، جز با قلب. و مال کلان در راه غضب الهی خرج می‌شود و زمامداران به کافران نزدیک می‌شوند و از نیکان دوری می‌گزینند و والیان در داوری رشوه می‌گیرند و پست‌های حساس دولتی به مزایده گذارده می‌شود و مردم با محارم خود نزدیکی می‌کنند و به تهمت و سوءظن، مرد به قتل می‌رسد و مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می‌کند و خود و اموالش را در اختیار او می‌گذارد و مرد به خاطر آمیزش با زنان سرزنش می‌شود (که چرا با مردان آمیزش نمی‌کند) و مرد از کسب زنش از هرزگی نان می‌خورد؛ آن را می‌داند و به آن تن می‌دهد و زن بر مرد خود مسلط می‌شود و کاری را که مرد نمی‌خواهد انجام می‌دهد و به شوهر خود خرجی می‌دهد و مرد، زن و کنیزش را (برای زنا) کرایه می‌دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می‌دهد و سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می‌شود و قمار آشکار می‌شود و شراب را بدون مانع و آشکارا می‌فروشند و زنان مسلمان، خود را در اختیار کافران می‌گذارند و لهو و لعب آشکار می‌شود و کسی که از کنار آن می‌گذرد، از آن جلوگیری نمی‌کند (و کسی جرئت جلوگیری را ندارد) و کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند، مردم شریف را خوار می‌کند و نزدیک ترین مردم به فرمان روایان کسی است که به دشنام گویی ما خاندان ستایش شود و هر کس ما را دوست دارد، دروغ گویش می‌دانند و شهادت او را نمی‌پذیرند و مردم، در گفتن حرف زور و ناحق با همدیگر رقابت می‌کنند و شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می‌آید و در عوض، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است و همسایه، همسایه را از ترس زبانش گرامی می‌دارد و حدود خدا تعطیل می‌شود و در آن به دلخواه خود عمل می‌کنند و مساجد طلا کاری می‌شود و راست گو ترین مردم پیش آنها، مفتربان دروغ گویند و شرّ و سخن چینی آشکار می‌شود و ستم کاری گسترش می‌یابد و غیبت را سخن نمکین می‌شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می‌دهند و برای غیرخدا به حج و جهاد می‌روند و سلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار می‌کند. خرابی و ویرانی بیش از آبادی است و زندگی مرد از کم فروشی اداره می‌شود و خون ریزی را آسان می‌شمارند و مرد برای غرض دنیایی ریاست می‌طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می‌سازد تا از او

بترسند و کارها را به او واگذار کنند و نماز را سبک می‌شمارند. مرد مال بسیار دارد، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده، زکات آن را نپرداخته است. قبر مرده‌ها را می‌شکافد و آنها را می‌آزارند و کفن‌هایشان را می‌فروشند و آشوب بسیار می‌شود و مرد روز خود را به نشئه (شراب) به شب می‌برد و شب را به مستی صبح می‌کند و با حیوانات عمل زشت انجام می‌دهند و حیوانات همدیگر را می‌درند و مرد به مصلی می‌رود، ولی چون بر می‌گردد، جامه در تن ندارد و دل مردم سخت و چشمانشان خشک می‌شود و یاد خدا بر آنان سنگین می‌آید و کسب‌های حرام گسترش می‌یابد و بر سر آن رقابت می‌کنند و نماز خوان برای ریا و خودنمایی نماز می‌خواند و فقیه برای غیر دین فقه می‌آموزد و دنیا و ریاست طلب می‌کند و مردم دور کسی را گرفته اندکه قدرت دارد و هر کس روزی حلال می‌جوید، سرزنش می‌شود و جوینده حرام، مورد ستایش و تعظیم است و در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خداوند دوست ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و هیچ کس آنها را از این کارهای زشت باز نمی‌دارد و آلات لهو و لعب [حتی] در مکه و مدینه آشکار می‌شود و مرد سخن حق می‌گوید و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند؛ دیگران او را نصیحت می‌کنند و می‌گویند: این کار بر تو لازم نیست و مردم به همدیگر نگاه می‌کنند و به مردم بدکار اقتدا می‌کنند و راه خیر به کلی خالی است و کسی از آن راه نمی‌رود و مرده را به مسخره می‌گیرند و کسی برای مرگ او غمگین نمی‌شود و هر سال بدعت و شرارت بیشتر می‌شود و مردم و انجمن‌ها تنها از توانگران پیروی می‌کنند و به فقیر چیزی می‌دهند، در حالی که به او می‌خندند و برای غیر خدا به او ترخم می‌کنند و نشانه‌های آسمانی پدید می‌آید، ولی کسی از آن هراس ندارد و مردم در حضور جمع، همانند بهایم مرتکب اعمال جنسی می‌شوند و هیچ کس از ترس، کار زشت را انکار نمی‌کند و مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می‌کند، ولی در مورد اطاعت خدا از کم هم دریغ می‌ورزد و آزار به پدر و مادر آشکار می‌شود و مقام آنها را سبک می‌شمارند و حال آنها در پیش فرزند از همه بدتر باشد و از اینکه به آنها افترا زده شود، خوشحال می‌شوند و زن‌ها بر حکومت چیره می‌شوند و پست‌های حساس را قبضه می‌کنند و کاری پیش نمی‌رود، جز آنچه به دلخواه آنان باشد و پسر به پدر خود افترا می‌زند و به پدر و مادر خود نفرین می‌کند و از مرگشان خوشحال می‌شود و اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناه بزرگ مرتکب نشده باشد، مانند هرزگی یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا می‌خوارگی، آن روز غمگین است و خیال می‌کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز بیهوده تلف شده است و سلطان مواد غذایی را احتکار می‌کند و حق خویشاوندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (خمس) به ناحق تقسیم می‌شود و بدان قمار بازی و می‌خوارگی می‌کنند. با شراب درمان می‌کنند و بدان بهبودی

می جویند و مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی اعتقادی به آن یکسان می شوند و منافقان و اهل نفاق سر و صدایی دارند و اهل حق، بی سر و صدا و خاموش اند و برای اذان گفتن و نماز خواندن، مزد می گیرند و مسجدها پراست از کسانی که از خدا ترس ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد می آیند و در مساجد، از شراب مست کننده توصیف می کند و شخص مست که از خود تهی است، بر مردم پیش نمازی می کند و به مستی او ایراد نمی گیرد و چون مست شود، گرمی اش می دارند و هر که مال یتیمان را بخورد، شایستگی او را می ستایند و قاضیان به خلاف دستور خدا داوری می کنند و زمامداران از روی طمع، خیانتکاران را امین خود می سازند و میراث (یتیمان) را فرمان رویان به دست افراد بد کار و بی باک نسبت به خدا داده اند، از آنها حق حساب می گیرند و زمام آنها را رها می سازند تا هر چه می خواهند انجام دهند و بر فراز منبرها، مردم را به پرهیزکاری دستور می دهند، ولی خود گویندگان به آن دستور عمل نمی کنند و وقت نمازها را سبک می شمارند و صدقه را به وساطت دیگران به اهل آن می دهند و به خاطر رضای خدا نمی دهند، بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آنها می پردازند و تمام همّ و غمّ مردم، شکم و عورتشان است، باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند و دنیا به آنها روی آورده است و نشانه های حق کهنه گشته است.

امام صادق علیه السلام پس از پیش بینی این حوادث، خطاب به راوی فرمود: «در چنین زمانی مراقب خود باش و نجات خود را از خداوند بخواه و بدان که مردم با این نافرمانی ها سزاوار عذاب اند. اگر عذاب بر آنها فرود آمد و تو در میان آنها بودی، باید به سوی رحمت حق بشتابی تا از کفیری که آنها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می بینند، بیرون بیایی و بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند»^۱ و «به راستی که رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است»^۲.

۱. ان الله لا یضیع اجر المحسنین؛ (سوره توبه، آیه ۱۲۰)

۲. و ان رحمة الله قریب من المحسنین؛ (سوره اعراف، آیه ۵۶)؛ متن روایت این گونه است:

مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ ذَكَرَ هَوْلَاءَ عِنْدَهُ وَ شَوْءَ خَالِ الشَّيْعَةِ عِنْدَهُمْ فَقَالَ إِنِّي سِرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرِ الْمَنْصُورِ وَ هُوَ فِي مَوْكِبِهِ وَ هُوَ عَلِيٌّ فَرَسِي وَ تَبَّيْنُ يَدَيْهِ حَيْلٌ وَ مِنْ خَلْفِهِ حَيْلٌ وَ أَنَا عَلَى جِمَارٍ لِي جَانِبِهِ فَقَالَ لِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَدْ كَانَ فَيَنْتَبِغِي لَكَ أَنْ تَفْرَحَ بِمَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الْقُوَّةِ وَ فَتَحَ لَنَا مِنَ الْعِزِّ وَ لَا تُخْبِرِ النَّاسَ أَنَّكَ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنَّا وَ أَهْلُ تَبَيَّنِكَ فَتُعْرِبْنَا بِكَ وَ بِهِمْ قَالَ فَقُلْتُ وَ مَنْ رَفَعَ هَذَا إِلَيْكَ عَنِّي فَقَدْ كَذَبَ فَقَالَ لِي أَتَخَلِّفُ عَلَى مَا تَقُولُ قَالَ فَقُلْتُ إِنَّ النَّاسَ سَحْرَةٌ يَغْنِي يُجِئُونَ أَنْ يُفْسِدُوا قَلْبَكَ عَلَيَّ فَلَا تُمَكِّنْهُمْ مِنْ سَمْعِكَ فَإِنَّا إِلَيْكَ أَحْوَجُ مِنْكَ إِلَيْنَا فَقَالَ لِي تَذَكَّرْ يَوْمَ سَأَلْتِكَ هَلْ لَنَا مُلْكٌ فَقُلْتُ نَعَمْ طَوِيلٌ عَرِيضٌ شَدِيدٌ فَلَا تَزَالُونَ فِي مُهَلَّةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ فُسْحَةٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ حَتَّى تُصِيبُوا مِنَّا دَمًا حَرَامًا فِي شَهْرِ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ فَعَزَفْتُ أَنَّهُ قَدْ حَفِظَ الْحَدِيثَ فَقُلْتُ لَعَلَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَكْفِيكَ فَإِنِّي لَمْ أَحْصِكَ بِهَذَا وَ إِنَّمَا هُوَ حَدِيثٌ رَوَيْتُهُ

ثُمَّ لَعَلَّ غَيْرَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يَتَوَلَّى ذَلِكَ فَسَكَتَ عَنِّي فَلَمَّا رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي أَتَانِي بَعْضُ مَوَالِينَا فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُكَ فِي مَوْكِبِ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَنْتَ عَلَى جِمَارٍ وَهُوَ عَلَى فَرَسٍ وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَيْكَ يُكَلِّمُكَ كَأَنَّكَ تَحْتَهُ فَقُلْتُ بَيْنِي وَبَيْنَ نَفْسِي هَذَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَصَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي يُفْتَدَى بِهِ وَهَذَا الْأَخْرُ يَعْمَلُ بِالْجُورِ وَيَقْتُلُ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ فِي الْأَرْضِ بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ وَهُوَ فِي مَوْكِبِهِ وَأَنْتَ عَلَى جِمَارٍ فَدَخَلْنِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ حَتَّى جُفْتُ عَلَى دِينِي وَنَفْسِي قَالَ فَقُلْتُ لَوْ رَأَيْتَ مَنْ كَانَ حَوْلِي وَبَيْنَ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَأَحْتَفِرْتَهُ وَ احْتَفِرْتِ مَا هُوَ فِيهِ فَقَالَ الْآنَ سَكَنَ قَلْبِي ثُمَّ قَالَ إِلَى مَتَى هُوَ لَاءٌ يَمْلِكُونَ أَوْ مَتَى الرَّاحَةُ مِنْهُمْ فَقُلْتُ أَلَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةٌ قَالَ بَلَى فَقُلْتُ هَلْ يَنْفَعُكَ عِلْمُكَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِذَا جَاءَ كَانَ أَسْرَعَ مِنْ عَظْفَةِ الْعَيْنِ إِنَّكَ لَوْ تَعْلَمُ خَالَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَيْفَ هِيَ كُنْتَ لَهُمْ أَشَدَّ بُغْضًا وَ لَوْ جَهَدْتَ أَوْ جَهَدَ أَهْلُ الْأَرْضِ أَنْ يُدْخِلُوهُمْ فِي أَشَدِّ مَا هُمْ فِيهِمْ مِنَ الْإِثْمِ لَمْ يَقْدِرُوا فَلَا يَسْتَفِرُّونَكَ الشَّيْطَانُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لِكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ مَنْ انْتَهَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَ الْخَوْفِ هُوَ غَدَاةٌ زُمْرَتِنَا فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجُورَ قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَ وَ رَأَيْتَ الْفُرْقَانَ قَدْ خَلَقَ وَ أَحْدَثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ وَجْهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ قَدْ انْكَفَأَ كَمَا يَنْكَفِئُ الْمَاءُ وَ رَأَيْتَ أَهْلَ الْبَاطِلِ قَدْ اسْتَعْلَمُوا عَلَى أَهْلِ الْحَقِّ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِرًا لَا يُنْهَى عَنْهُ وَ يُعَذَّرُ أَصْحَابُهُ وَ رَأَيْتَ الْفَسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اكْتَفَى الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ يَكْذِبُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ فِرْيَتُهُ وَ رَأَيْتَ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ بِالْكَبِيرِ وَ رَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ وَ رَأَيْتَ مَنْ يَمْتَدِّحُ بِالْفَسْقِ يَضْحَكُ مِنْهُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْغَلَامَ يُعْطَى مَا تُعْطَى الْمَرْأَةَ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَزَوَّجْنَ النِّسَاءَ وَ رَأَيْتَ الثَّنَاءَ قَدْ كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْمَالَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَلَا يُنْهَى وَ لَا يُؤْخَذُ عَلَى يَدَيْهِ وَ رَأَيْتَ النَّاطِرَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنَ فِيهِ مِنَ الْاجْتِهَادِ وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ وَ لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ مِرْحَابًا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ وَ رَأَيْتَ الْخُمُورَ تُشْرِبُ عَلَانِيَةً وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَأَيْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ قَوِيًّا مُخْمُودًا وَ رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْآيَاتِ يُخْتَفَرُونَ وَ يُخْتَفَرُ مِنْ يُحِبُّهُمْ وَ رَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَبِيرِ مُنْقَطِعًا وَ سَبِيلَ الشَّرِّ مَسْلُوكًا وَ رَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ غُطِلَ وَ يُؤْمَرُ بِتَرْكِهِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُهُ وَ رَأَيْتَ الرَّجَالَ يَتَسَمَّنُونَ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءَ لِلنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ ذُبْرِهِ وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَخَذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرَّجَالُ وَ رَأَيْتَ التَّائِبَ فِي وَدِدِ الْعَبَّاسِ قَدْ ظَهَرَ وَ أَظْهَرُوا الْخِصَابَ وَ امْتَشَطُوا كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ لِرُؤُوسِهَا وَ أَعْطُوا الرَّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ وَ تُنْفِقُ فِي الرَّجُلِ وَ تَعَابَرُ عَلَيْهِ الرَّجَالُ وَ كَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ كَانَ الرِّبَا ظَاهِرًا لَا يُعْتَرُ وَ كَانَ الرِّبَا تُمْتَدِّحُ بِهِ النِّسَاءُ وَ رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تُضَاعِفُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرَّجَالِ وَ رَأَيْتَ أَكْثَرَ النَّاسِ وَ حَيْرَ بَيْتٍ مِنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَخْزُونًا مُخْتَفِرًا ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْبِدْعَ وَ الرِّبَا قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَتَعَدُّونَ بِشَاهِدِ الرَّوْرِ وَ رَأَيْتَ الْحِرَامَ يُحَلَّلُ وَ رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحْرَمُ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ وَ غُطِلَ الْكِتَابُ وَ أَحْكَامُهُ وَ رَأَيْتَ اللَّيْلَ لَا يُسْتَحْفَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكَرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ وَ رَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفِقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَأَيْتَ الْوَلَاةَ يُفْرِطُونَ أَهْلَ الْكُفْرِ وَ يُبَاعِدُونَ أَهْلَ الْخَيْرِ وَ رَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَزْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ وَ رَأَيْتَ الْوَلَاةَ قَبَالَهَ لِمَنْ زَادَ وَ رَأَيْتَ ذَوَاتِ الْأَرْحَامِ يُنْكَحْنَ وَ يَكْتَفَى بِهِنَّ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَقْتُلُ عَلَى التَّهْمَةِ وَ عَلَى الظَّنِّ وَ يَتَغَايِرُ عَلَى الرَّجُلِ الذَّكَرَ فَيَبْذُلُ لَهُ نَفْسَهُ وَ مَالَهُ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَعْزِزُ عَلَى إِيْتَانِ النِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ يَعْلَمُ ذَلِكَ وَ يُعِيمُ عَلَيْهِ وَ رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَ تَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهَى وَ تُنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُكْرِى امْرَأَتَهُ وَ جَارِيَتَهُ وَ يَرِضَى بِالذَّنْبِ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ رَأَيْتَ الْأَيْمَانَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَثِيرَةً عَلَى الرَّوْرِ وَ رَأَيْتَ الْعِمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِرًا لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَ رَأَيْتَ الْمَلَاهِيَّ قَدْ ظَهَرَتْ بِمِزْجِهَا لَا يَمْتَنِعُهَا أَحَدٌ أَحَدًا وَ لَا يَجْتَرِئُ أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا وَ رَأَيْتَ الشَّرِيفَ يَسْتِزِلُّهُ الَّذِي يُخَافُ سُلْطَانَهُ وَ رَأَيْتَ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوَلَاةِ مَنْ يَمْتَدِّحُ بِشَيْئِهَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رَأَيْتَ مَنْ يُجْبِنُ يَزُورُ وَ لَا يُقْبَلُ شَهَادَتُهُ وَ رَأَيْتَ الرَّوْرَ مِنَ الْقَوْلِ يَتَنَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْفُرْقَانَ قَدْ ثَقُلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُهُ وَ خَفَّ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يَكْرُمُ الْجَارَ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ وَ رَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ غُطِلَتْ وَ عُمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخْرِفَتْ وَ رَأَيْتَ أَصْدَقَ النَّاسِ عِنْدَ النَّاسِ الْمُفْتَرِيَّ الْكُذِبَ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ قَدْ ظَهَرَ وَ السُّعَى بِالنَّمِيمَةِ وَ رَأَيْتَ الْبَغْيَ قَدْ فَسَأَ وَ رَأَيْتَ الْغَيْبَةَ تُسْتَمْلَخُ وَ يُبَشِّرُ بِهَا النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ رَأَيْتَ طَلَبَ الْحَيْجِ وَ الْجِهَادِ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ رَأَيْتَ السُّلْطَانَ يُدِلُّ لِلْكَافِرِ الْمُؤْمِنَ وَ رَأَيْتَ الْخِرَابَ قَدْ أُدْبِلَ مِنَ الْعُمْرَانِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ بَخْسِ الْمَكْبَالِ وَ الْمِيزَانِ وَ رَأَيْتَ سَفْكَ الدِّمَاءِ يُسْتَحْفَى بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَطْلُبُ الرِّبَاةَ لِعَرْضِ الدُّنْيَا وَ يَشْهَرُ نَفْسَهُ بِخَبِيثِ اللِّسَانِ لِيَتَّقَى وَ تُسَنَدُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ وَ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتَحْفَى بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ ثُمَّ لَمْ يُرْكَبْهُ مِنْهُ مَلَكَةٌ وَ رَأَيْتَ الْمَيْتَ يُنْتَشِ مِنْ قَبْرِهِ وَ يُؤْذَى وَ تُبَاعُ أَكْفَانُهُ وَ رَأَيْتَ الْهَرَجَ قَدْ كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ

و مشابه این روایت در کتاب های مانند کمال الدین و وسائل الشیعه نیز آمده است.^۱

دو) دسته بندی روایات

با توجه به تنوع موضوعات و گستردگی ابعاد مطرح شده در روایات مربوط به پیشگوئی های حوادث اجتماعی جامعه انسانی، لازم است قبل از بحث و بررسی درباره عناوین طرح شده در روایات، ابتدا این روایات در تنظیم و تبویب مناسبی دسته بندی و رده بندی گردد تا قضاوت درباره این روایات به صواب نزدیکتر باشد.

از پیشگوئی های معصومین علیهم السلام درباره احوال آخر الزمان معلوم می شود که روابط مردم در آن زمان روابط غلطی خواهد بود که فساد ناشی از آن، زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی

بُئسَى تَشَوَانٌ وَ يُصْبِحُ سَكَرَانٌ لَا يَهْتَمُّ بِمَا النَّاسُ فِيهِ وَ رَأَيْتُ الْبَهَائِمَ تُنْكَحُ وَ رَأَيْتُ الْبَهَائِمَ يَفْرِشُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَ رَأَيْتُ الرَّجُلَ يَخْرُجُ إِلَى مُصَلَّاهُ وَ يَزِجُّ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ثِيَابِهِ وَ رَأَيْتُ قُلُوبَ النَّاسِ قَدْ قَسَتْ وَ جَمَدَتْ أَعْيُنُهُمْ وَ ثَقُلَ الذِّكْرُ عَلَيْهِمْ وَ رَأَيْتُ الشُّحْتَ قَدْ ظَهَرَ يُتَنَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتُ الْمُصَلِّيَ إِتْمَا يُصَلِّي لِيَتَرَاهُ النَّاسُ وَ رَأَيْتُ الْفَقِيهَةَ يَتَفَقَّهُ لِغَيْرِ الدِّينِ يَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الرِّئَاسَةَ وَ رَأَيْتُ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ وَ رَأَيْتُ طَالِبَ الْحِلَالِ يُدْمُ وَ يُعَيَّرُ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يُمَدِّحُ وَ يُعْظَمُ وَ رَأَيْتُ الْخَرَمَيْنِ يُعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ لَا يَمْتَنِعُهُمْ مَانِعٌ وَ لَا يَحُولُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْعَمَلِ الْقَبِيحِ أَحَدٌ وَ رَأَيْتُ الْمَعَارِفَ ظَاهِرَةً فِي الْخَرَمَيْنِ وَ رَأَيْتُ الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ وَ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُومُ إِلَيْهِ مَنْ يَنْصَحُهُ فِي نَفْسِهِ فَيَقُولُ هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ وَ رَأَيْتُ النَّاسَ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ يَفْتَدُونَ بِأَهْلِ الشُّرُورِ وَ رَأَيْتُ مَسْلِكَ الْخَيْرِ وَ طَرِيقَهُ خَالِيًا لَا يَسْلُكُهُ أَحَدٌ وَ رَأَيْتُ الْمَيِّتَ يَهْرَأُ بِهِ فَلَا يَفْرَعُ لَهُ أَحَدٌ وَ رَأَيْتُ كُلَّ عَامٍ يَخْدُثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَ الْبِدْعَةِ أَكْثَرُ مِمَّا كَانَ وَ رَأَيْتُ الْخَلْقَ وَ الْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ وَ رَأَيْتُ الْمُخْتَلَجَ يُعْطَى عَلَى الصَّحْلِ بِهِ وَ يُرْحَمُ لِغَيْرِ وَجْهِ اللَّهِ وَ رَأَيْتُ الْآيَاتِ فِي السَّمَاءِ لَا يَفْرَعُ لَهَا أَحَدٌ وَ رَأَيْتُ النَّاسَ يَتَسَافَدُونَ كَمَا يَتَسَافَدُ الْبَهَائِمُ لَا يُنْكَرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا تَخَوُّفًا مِنَ النَّاسِ وَ رَأَيْتُ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْكَبِيرَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يَمْتَنِعُ الْبَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ رَأَيْتُ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اسْتَحْجَفَ بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ خَالًا عِنْدَ الْوَالِدِ وَ يَفْرَحُ بِأَنْ يَفْتَرِيَ عَلَيْهِمَا وَ رَأَيْتُ النِّسَاءَ وَ قَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ وَ غَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ لَا يُؤْتَى إِلَّا مَا لَهِنَّ فِيهِ هَوَى وَ رَأَيْتُ ابْنَ الرَّجُلِ يَفْتَرِي عَلَى أَبِيهِ وَ يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَ يَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا وَ رَأَيْتُ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مَكِيلٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شَرْبِ مُسْكَرٍ كَثِيرًا حَزِينًا يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ وَ رَأَيْتُ السُّلْطَانَ يَخْتَكِرُ الطَّلَاعَ وَ رَأَيْتُ أَمْوَالَ دَوَى الْقُرْبَى تُقَسِّمُ فِي الرُّورِ وَ يَتَقَامَرُ بِهَا وَ تُشْرَبُ بِهَا الْخُمُورُ وَ رَأَيْتُ الْخَمْرَ يُتَدَاوَى بِهَا وَ يُوصَفُ لِلْمَرِيضِ وَ يُسْتَشْفَى بِهَا وَ رَأَيْتُ النَّاسَ قَدْ اسْتَوُوا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ التَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَرَكَ التَّدْبِينَ بِهِ وَ رَأَيْتُ رِيَاخَ الْمُتَافِقِينَ وَ أَهْلَ التَّفَاقُقِ قَائِمَةً وَ رِيَاخَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تَحْرُكُ وَ رَأَيْتُ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ وَ الصَّلَاةَ بِالْأَجْرِ وَ رَأَيْتُ الْمَسَاجِدَ مُخْتَشِئَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ - مُجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغَيْبَةِ وَ أَكَلُ لُحُومِ أَهْلِ الْحَقِّ وَ يَتَوَاصَفُونَ فِيهَا شَرَابِ الْمُسْكَرِ وَ رَأَيْتُ السَّكَرَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ وَ هُوَ لَا يَقُولُ وَ لَا يُشَانُ بِالشُّكْرِ وَ إِذَا سَكَرَ أَكْرَمَ وَ اتَّقَى وَ حَيْفٌ وَ تُرْكٌ لَا يُعَاقَبُ وَ يُعَذَّرُ بِسُكْرِهِ وَ رَأَيْتُ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُحْمَدُ بِصَلَاةِ اللَّهِ وَ رَأَيْتُ الْفُضَاةَ يَفْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ وَ رَأَيْتُ الْوَلَاةَ يَأْتُمُونَ الْخَوَاتَةَ لِلطَّمَعِ وَ رَأَيْتُ الْمِيزَانَ قَدْ وَضَعْتَهُ الْوَلَاةَ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْجُرَاةِ عَلَى اللَّهِ يَأْخُذُونَ مِنْهُمْ وَ يَحْلُونَهُمْ وَ مَا يَشْتَهُونَ وَ رَأَيْتُ الْمَنَابِرَ يُؤْمَرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ وَ رَأَيْتُ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتَحْجَفَ بِأَوْقَاتِهَا وَ رَأَيْتُ الصَّدَقَةَ بِالشَّقَاعَةِ لَا يُزَادُ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ وَ يُعْطَى لِطَلَبِ النَّاسِ وَ رَأَيْتُ النَّاسَ هَمَّهُمْ نَطْوُونَهُمْ وَ فُرُوجُهُمْ لَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَ مَا تَكْحَرُوا وَ رَأَيْتُ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً عَلَيْهِمْ وَ رَأَيْتُ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَ اظْلُبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ النَّجَاةَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِتْمَا يُمَهِّلُهُمْ لِأَمْرِ يُزَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَّقِبًا وَ اجْتَهِدْ لِيَبْرَأَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَ كُنْتَ فِيهِمْ عَجَلْتِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ إِنْ أَجْرَتْ ابْتَلُوا وَ كُنْتَ قَدْ خَرَجْتَ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنَ الْجُرَاةِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنْ رَحِمْتَ اللَّهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ. (الكافي ج ٨ ص ٣٨)

۱. ر.ك به: كمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱ و ۲۵۰ و نیز وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۹.

انسانها را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. گستردگی این بخش می‌طلبد که مقاله یا مقالاتی در خصوص این موضوع تنظیم و تبویب شود و لذا در این جا تنها نمونه‌هایی از این روابط غلط و حوزه درگیری با آنها را بیان می‌کنیم:

۱. روابط غلط اقتصادی مانند رشوه و ربا و سایر خیانت‌های مالی و گرانی و احتکار احتیاجات مردم و مشارکت مفسده بار زنان در تجارت.

۲. روابط غلط سیاسی اعم از حاکمیت ناهلان بر بخش‌های مختلف و نیز امارت زنان در امور اجتماعی با وجود این که بافت جسمی و روحی و فکری ایشان، برای امارت در این بخش‌ها مناسب نیست.

۳. روابط غلط اجتماعی مانند: مشورت با ناهلان (و کنیزان) و اعتماد به خائن و خیانت کاری امین، تصدیق انسان دروغ گو و تکذیب عناصر صادق،^۱ عدم رعایت حرمت بزرگترها توسط کوچکترها و عدم لطف و ترحم بزرگترها درباره کوچکترها.^۲

۴. روابط غلط فرهنگی و اخلاقی مانند: شبیه شدن مردان به زنان و زنان به مردان و نیز اکتفا کردن مردان به مردان و زنان به زنان.^۳

۵. تضييع حدود الهی مانند: ضایع کردن نماز، زکات، عفت، حج^۴ و...

۶. تغییر ارزش‌ها مانند این که انفال، غنیمت و زکات، غرامت دانسته می‌شود؛^۵ افراد به جای نیکی به نزدیکان مانند والدین، به دوستان خود باب احسان را باز کرده (رفیق باز می‌شوند) و به پدر و مادر خود جفا می‌کنند.^۶

و در مجموع باید گفت که در آن زمان، منکر، معروف و معروف، منکر می‌شود^۷ و بدین سان ارزش‌ها به ضد ارزش‌ها تبدیل می‌گردند.

سه) تحلیل و توضیح روایات و بررسی ابعاد آن

روایات مربوط به پیشگویی‌های آخرالزمان ابعاد گوناگونی دارد که لازم است مورد بحث و بررسی قرار گیرد که بعضی از مهم‌ترین آنها را یادآور می‌شویم:

۱. اشاره است به عبارت: یومن الخائن ویخون الامین ویصدق الکاذب و یکذب الصادق. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۸)
۲. اشاره است به عبارت: ولایرحم کبیرکم صغیرکم ولا یوقر صغیرکم کبیرکم. (بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳)
۳. اشاره است به عبارت: یکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۸)
۴. در روایت آمده است که: فلا یقام لله حد... تحج اغنیاء امتی للنزهه و... واساطها للتجارة. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۹)
۵. اشاره است به عبارت: یكون... الزکات مغرما والفی مغنما (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۸)
۶. اشاره است به عبارت: یجفو الرجل والذیه ویبر صدیقہ (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۸)
۷. اشاره است به عبارت: اِنَّ عِنْدَهَا یَکُونُ الْمُتَنَكِّرُ مَعْرُوفًا وَ الْمَعْرُوفُ مُتَنَكِّرًا. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۸)

نکته مهم که اولویت دارد این است که آیا این بزهکاری‌ها و فسادى که در این گونه روایات پیش‌گویی شده است تصویری است که همه جهان پیش از ظهور را به نمایش گذاشته است یا آنچه بیان گردیده است مربوط به جوامع اسلامی است؟ بسیاری از مومنان با شنیدن این روایات ذهنشان به جامعه خودشان منصرف می‌گردد بخصوص که مصادیق آنچه در این روایات پیش‌گویی شده است را در محیط پیرامون خود می‌بینند؛ روابط غلط میان زنان و مردان، انواع گناه و فساد و بی‌عفتی و بی‌بندوباری و ارتکاب انواع محرمات در بازار مسلمین و فسق و فجور علنی و آشکار در سطح مسئولان و متولیان امور در جوامع اسلامی و به ویژه در کشورهای عربی منطقه، همه و همه این برداشت را به ذهن افراد نزدیک می‌کند که معصومین علیهم‌السلام با این سخنان خواسته‌اند تصویری از جامعه اسلامی نزدیک به ظهور را در برابر دیدگان مومنان قرار دهند و این برداشت نتایج سوئی را به دنبال دارد که از جمله آنها جرات و جسارت در توسعه گناه و فساد است.

ولی دقت در متن این دسته از روایات و قرائن خارج از متن، نشان می‌دهد که دایره شمول این روایات محدود به کشورهای اسلامی نیست بلکه همه جهان و پهنه زمین را شامل است. یک قرینه مهم برای این برداشت روایات فراوانی است که از شمول ظلم و جور در همه زمین و پس از آن فراگیری عدالت در تمام ارض خبر داده است و این مضمون در روایات فراوان در منابع فریقین و به تواتر نقل گردیده است.^۲ قرینه دیگر، عبارات موجود در همین روایات آخرالزمان است که عمومیت این روایات را می‌رساند؛ تعبیری مانند:

ورایت الجور قد شمل البلاد... وورایت الناس یعتدون بشاهد الزور... وورایت قلوب الناس قد قست... وورایت الناس همهم بطونهم و فروجهم لایبالون بما اكلوا ومانکحوا... (الکافی، ج ۸، ۳۸)

بنابراین می‌توان از تعبیر بلاد (به معنی کشورها) و تعبیر الناس (به معنی همه مردم) شمول این روایات را نسبت به همه اهل زمین و همه جوامع شرقی و غربی استفاده کرد.

نکته دیگری که در این جا جای بحث دارد این است که آیا ممکن است جوامع بشری و بویژه جوامع اسلامی به این مراحل انحطاط و پستی که در این روایات آمده است فروغلتند؟ و چنان در فساد و زشتی غرق شوند که همه مرزهای اخلاق را بشکنند؟ آیا امکان دارد محیط

۱. و البته و به طریق اولی نباید این پیش‌گویی‌ها و چهره زشت ارائه شده در این روایات تنها به جامعه شیعی ایران اسلامی محدود شود و با این نگاه توضیح و تفسیر گردد.

۲. مراد عبارت معروف و متواتر است که دوره ظهور را این گونه بشارت داده است: یملا الله به الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا یعنی مهدی می‌آید تا زمین آکنده از ظلم و جور را از عدالت و خوبی پر کند.

انسانی به روزگاری برسد که در روابط اجتماعی، زنان به زنان و مردان به مردان اکتفا کنند و نظام خانه و خانواده فروپاشد؟ و آیا ممکن است حریم‌های اخلاقی آشکارا و در کوچه و خیابان و در برابر دیدگان همگان شکسته شود و کسی در ردّ و انکار آن سخنی نگوید؟ آیا به راستی در جوامع اسلامی که مردم به خدا و رسول و احکام دین ایمان دارند چنین انحطاط و حشتناکی امکان وقوع دارد؟

پاسخ این است که با توجه به این که از نگاه انسان غربی، دین از سیاست و روابط اجتماعی جدا و محدود به کنیسه و کلیسا است بنابراین دین به شیوه زندگی انسان‌ها و روابط آنها کاری ندارد و انسان‌ها آزادند هرگونه روابطی را در میان خود بپذیرند و تنها ملاک و معیار زیستن و چگونگی زیستن ارضاء تمایلات و شهوات نفسانی است؛ با این طرز فکر، انحطاط اخلاقی مرزی نمی‌شناسد و بشر در سیر نزولی خود تا اسفل سافلین^۱ امکان سقوط دارد و به مرتبه ای پایین تر از چهارپایان^۲ نیز خواهد رسید و لذا امروز شاهد آنیم که در برخی از کشورها همجنس‌گرایی به قانونی مصوب و مورد حمایت تبدیل شده است که ننگی بزرگ برای جامعه بشری است. و اما در جوامع انسانی گرچه دین در همه احکام اجتماعی حضور دارد و برای همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی قانونی وضع کرده است که هر مسلمانی به اقتضاء دیانت اسلام باید به آنها پای بند باشد ولی نوع روابط حاکم بر جهان و تأثیرات رسانه ای غرب بر سبک زندگی مردم، جوامع اسلامی را نیز می‌تواند به همان مسیر منحط اخلاقی غرب گرفتار کند و فاجعه اخلاقی را در کشورهای اسلامی نیز رقم بزند؛ واقعیتی که امروز شاهد وقوع آن هستیم. به عبارت دیگر، انواع فسادها و بی بند و باری‌های امروز در جوامع اسلامی، ره آورد غرب و جوامع غربی است که متأسفانه به جوامع اسلامی نیز سرایت کرده است؛ و اساساً توسعه این بزهکاری و فساد در جوامع اسلامی از برنامه‌های اصلی و سیاست‌های شیطنی حکام غربی است.

نکته دیگر اینکه در روایات مربوط به حوادث آخر الزمان فرازهایی دیده می‌شود که تامل در آنها و کشف حقیقت معنای آنها لازم است و در صورتی که به درستی تبیین نگردد و برداشت‌های غلط از آنها بشود عوارض فردی و اجتماعی فراوان خواهد داشت.

۱. اشاره است به تعبیری قرآنی که می‌فرماید: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (سوره تین، آیات ۴ و ۵)

۲. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (سوره اعراف، آیه ۱۷۹) و همانا بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، (که سرانجامشان به آنجا می‌کشد، چرا که) آنان دل‌هایی دارند که با آن حق را درک نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلانند.

برای مثال باید تامل کرد که مراد از شبیه شدن مردان به زنان و زنان به مردان چیست و چه حوزه‌هایی از زندگی را شامل می‌شود آیا تنها در لباس و پوشش است و یا در انتخاب فعالیت‌های اجتماعی نیز وجود دارد؟ حکم دینی و فقهی انواع تشبه در این زمینه چیست؟ آیا همه انواع آن حرام است؟ توجیه عقلی و شرعی منع تشبه یک جنس به جنس دیگر چیست و به عبارت دیگر، آثار و پیامدهای این رفتار در فرد و جامعه چیست؟

نمونه دیگر این است که مقصود از مواردی مانند امارت زنان در روایات پیشگویی‌ها چیست؟ آیا این امر فی نفسه نامطلوب است و یا با شرایطی قابل قبول و پذیرش است؟ و زنان در چه بخش‌هایی از جامعه مجاز به کارهای مدیریتی هستند؟

و نیز بحث در اینکه وقتی در روایات از سوارشدن زنان بر زین‌ها خبر داده شده است به معنی یک کار خلاف رایج در آخرالزمان است یا تنها از حوادث آینده فارغ از مثبت و یا منفی بودن آن خبر داده است؟ آیا رانندگی زنان در شرایطی خاص مانند رعایت شوون دینی و عفت اسلامی امری مطلوب و معروف است؟

اینها و نمونه فراوانی از این دست نیاز به مطالعه و بررسی ابعاد و آثار آنها دارد.

چهار) فلسفه بیان این قسم از پیشگویی‌ها در روایات

یک سوال اساسی در این تحقیق آن است که بیان ناهنجاری‌های جامعه پیش از ظهور در قالب پیش‌گویی‌ها در کلمات معصومین علیهم‌السلام با چه هدفی انجام گرفته است که به نظر می‌رسد بخش عمده و مهم و کاربردی در این موضوع همین بخش است و به همین دلیل ما به تفصیل درباره این بخش موضوع بحث می‌کنیم.

ممکن است در نظر ابتدایی این طور به نظر برسد که بیان این علایم (مانند سایر علایم ظهور) برای خبر دادن از ظهور و به بیان دقیق‌تر، تعیین زمان، برای ظهور مهدی موعود است؛ به تعبیر دیگر اهل بیت خواسته‌اند با بیان این نشانه‌ها و تکثیر ذکر این علایم و تصویر سازی از جامعه در آستانه ظهور، از وقت ظهور پرده بردارند. اما این برداشت درستی نیست زیرا در روایات به صراحت آمده است که زمان ظهور بر همگان مخفی است و کسی جز خداوند از آن پرده بر نمی‌دارد.^۱ و نیز روایت شده است که وقت گذاران نسبت به ظهور دروغ گو هستند^۲ و در هر رتبه

۱. در روایتی از امام رضا علیه‌السلام آمده است که فرمودند: ... حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم‌السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَبِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ دُرَّتِيكَ فَقَالَ عَمَلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهِا لَوْ قُتِلَ إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً... (كمال الدين، ج ۲، ص ۲۷۳)

۲. تمام روایت این است: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مَهْرَمٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ

ومقامی که باشند باید تکذیب شوند؛^۱ بنابراین کارکرد علائم و نشانه‌های ظهور را باید در امری غیر از نشان دادن زمان ظهور جستجو کرد. به بیان دیگر با توجه به روایات نهی از توقیت، جایی برای بهره برداری از روایات علائم برای تعیین زمان ظهور نمی‌ماند^۲ ولی بجز تعیین وقت ظهور می‌توان کارکردهای دیگری برای بیان علائم جست و جو و مطرح کرد تا بیان آنها در لسان معصومین لغو و بی فایده نباشد.

در خصوص آن دسته از پیشگوئی‌ها که ترسیمی از اوضاع اجتماعی دوران پیش از ظهور است و در این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود با تامل در روایات می‌توان فوائد قابل توجهی را برای بیان این علائم بیان کرد که در این مجال به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. تقویت امیدواری به صلاح و اصلاح

بیان پیشگوئی‌ها درباره حوادث آخرالزمان برای این است که مومنان حتی با وجود این همه فساد و تباهی و انقلاب ارزش‌ها و ظلم فراگیر، از اصلاح امور به دست مصلح کل، مایوس نباشند و امیدشان را از دست ندهند و سبب انفعال آنها در این حوادث نشود؛ این حقیقت در روایات به روشنی تبیین گردیده و قابل تحلیل و بررسی علمی نیز می‌باشد. یک نمونه از روایات، روایت زیر است:

از عبدالرحمن ابن ابی لیلی نقل است که گفت: پدرم گفته: در جنگ خیبر حضرت رسول اکرم ﷺ پرچم را به حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام داد و خدا خیبر را برای او فتح کرد. سپس نصب کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله آن حضرت را در روز غدیر بخلافت همراه با برخی از فضائل آن جناب بیان کرد تا آنجا که گفت: پس از آن رسول الله صلی الله علیه و آله گریست. عرض شد: یا رسول الله گریه شما از چیست؟ فرمود: جبرئیل علیه السلام مرا با خبر ساخت که مردم به او ستم می‌کنند و او را از حقش باز می‌دارند و با او مقاتله می‌کنند و فرزندانش را به قتل می‌رسانند و به آنان ظلم می‌کنند. و جبرئیل علیه السلام از پروردگار عزوجل خبر داد که این ناروائی و ظلم پیوسته خواهد بود تا قائمشان علیهم السلام قیام کند که در این موقع کلمه آنان برتری گیرد و امت بردوستی ایشان اجتماع کنند و بدگوی آنان اندک باشد و دشمن آنان ذلیل و خوار و مداح ایشان بسیار گردد و این امر

أَخْبَرَنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُهُ مَتَى هُوَ فَقَالَ يَا مَهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَائِثُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ. (الغيبة نعمانی، باب ۱۶، ص ۲۹۴)

۱. در روایت آمده است که: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابِنَ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُؤَقِّتُ لِأَخِي وَ قَتْنَا. (الغيبة نعمانی، باب ۱۶، ص ۲۸۹)

۲. مگر در مورد علائم حتمی که در روایات آمده است که این دسته از علائم در سال ظهور رخ خواهند داد و البته این علائم نسبت به سایر علائم درصد ناچیزی است.

وقتی است که شهرها دگرگون و بندگان ناتوان گردند و نومی‌دی از فرج حاصل شود و در این هنگام قائم علیه السلام در میان آنان ظاهر گردد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نام او مانند نام من و نام پدرش مانند نام فرزندم و او فرزند دخترم می‌باشد. خدا حق را بوسیله آنان آشکار سازد و باطل را با شمشیرشان خاموش گرداند و مردم گروهی به رغبت و گروهی بترس، از آنان پیروی کنند راوی گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله از گریه آرام گرفت و فرمود: ای مؤمنان شما را بشارت باد به فرج؛ زیرا وعده خدا خلاف ندارد و حکم خدا بر نمی‌گردد و خدا حکیم و آگاه است همانا فتح خدا نزدیک باشد بارالها آنان کسان من باشند پس ببر از آنان پلیدی را و پاکشان ساز پاک ساختنی. بارالها نگهداری و حفظشان کن و رعایت حالشان فرما و با آنان باش و نصرت و یاریشان بده و عزیزشان بدار و خوار و ذلیل‌شان مکن و آنانرا جانشین من قرار ده که تو بر هر چیزی توانائی.^۱

در این روایت پس از بیان ظلم و ستم‌های فراوان خلفای جور، سخن از بشارت به مومنان نسبت به فرج و گشایش است و آن هم به عنوان وعده تخلف ناپذیر الهی و فرمان قطعی او. روشن است که چنین رویکردی تا چه حد به امید آفرینی و نشاط نسبت به آینده اسلام و مسلمین کمک می‌کند و جبهه مومنان را در برابر دشمنانشان محکم و مقاوم می‌کند. به بیان روشن تر از آن جا که زمان ظهور براساس حکمت‌هایی مخفی مانده است؛ فراگیری ظلم و جور در زمین از سویی و طولانی شدن دوران غیبت و تاخیر فراوان در ظهور امام از سوی دیگر، می‌تواند حالت امیدواری به ظهور و غلبه حق را تضعیف کند به ویژه آن گاه که فساد موجود از قبیل مظاهر و مصادیقی باشد که هر شب و روز در هر کوی و برزن در برابر دیدگان مومنین بوده و در زوایای پیدا و پنهان زندگی ایشان دیده شود. روشن است که این ضعف روحیه امیدواری می‌تواند پیامدهای بسیار خطرناکی برای جبهه مومنان داشته باشد ولی پیش گویی وقوع حوادثی در آینده به عنوان مقدمات ظهور موعود، سبب تقویت روح امید به ظهور موعود الهی

۱. الْحَقَّارُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي قِلَابَةَ عَنْ بَشْرِ بْنِ عُمَرَ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي مَرْزُبِ بْنِ نُؤَيْرِ بْنِ أَبِي فَاخْتَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى قَالَ قَالَ أَبِي دَفْعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الزَّيَاةَ يَوْمَ خَيْبَرَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ ذَكَرَ نَضْبَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْعَدِيرِ وَبَعْضَ مَا ذَكَرَ فِيهِ مِنْ فَصَائِلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ بَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقِيلَ مَهْ بِكَأُوكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَهُ وَيَمْنَعُونَهُ حَقَّهُ وَ يَقَاتِلُونَهُ وَيَقْتُلُونَ وُلْدَهُ وَ يَظْلِمُونَهُمْ بَعْدَهُ وَ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ ذَلِكَ يَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَ عَلَتْ كَلِمَتُهُمْ وَ أَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ وَ كَانَ الشَّائِئُ لَهُمْ قَلِيلًا وَ الْكَارَةُ لَهُمْ ذَلِيلًا وَ كَثُرَ الْمَادِخُ لَهُمْ وَ ذَلِكَ حِينَ تَعْتَرِ الْبِلَادَ وَ تَصْغِفُ الْعِبَادَ وَ الْإِيَّاسَ مِنَ الْفَرَجِ وَ عِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْقَائِمُ فِيهِمْ قَالَ النَّبِيُّ صَ اسْمُهُ كَاسِمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ كَاسِمِ ابْنِي وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ ابْنَتِي يَظْهَرُ اللَّهُ الْحَقُّ بِهِمْ وَ يَحْمَدُ [يُحْمَدُ] الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ وَ يَتَّبِعُهُمُ النَّاسُ تَبِيْنًا رَاغِبِينَ إِلَيْهِمْ وَ خَائِفِينَ لَهُمْ قَالَ وَ سَكَنَ الْبُكَاءُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَعَاشِرَ الْمُؤْمِنِينَ أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلَفُ وَ قَضَاؤُهُ لَا يُرَدُّ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ فَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ إِلَيْهِمْ أَهْلِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ ظَهَرْهُمْ تَظْهِيرًا اللَّهُمَّ اكْلَأْهُمْ وَ احْفَظْهُمْ وَ ارْزُقْهُمْ وَ كُنْ لَهُمْ وَ انصُرْهُمْ وَ اعْنَهُمْ وَ اعِزَّهُمْ وَ لَا تُذِلَّهُمْ وَ اخْلُفْنِي فِيهِمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (بحارالانوار ج ۵۱ ص ۶۷ به نقل از امالی طوسی)

خواهد بود و از بروز یاس و نومیدی جلوگیری خواهد کرد.

بررسی علمی تاثیر امید در انسان ها

بحث ظهور منجی در آخرالزمان که در همه ادیان الهی و به ویژه در ادیان ابراهیمی مطرح شده است، مبتنی بر بحث امید بخشی نسبت به آینده است زیرا یکی از ساز و کارهای مهم در زندگی انسان، امیدواری است. از نظر جهان بینی توحیدی، امید تحفه الهی است که چرخ زندگی را به گردش و می دارد و موتور انگیزه و تلاش انسان را پرشتاب می کند. چنان که اگر روزی امید از انسان گرفته شود، دوران خمودی و ایستایی او فرا می رسد. به همین دلیل قرآن کریم به شدت از یاس و ناامیدی نهی کرده و آن را در ردیف بزرگترین گناهان قرار داده است. این رویکرد قرآنی هم در زندگی فردی و هم در مسائل کلان اجتماعی در آیات قرآن منعکس است:

خداوند مهربان در جایی می فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۱

و در جای دیگر به صورتی کلی تر می فرماید:

...وَلَا تَيْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ^۲

امیدواری، حالتی نفسانی است که در آن، انسان به اموری که انتظارش را دارد دل بستگی پیدا کرده است. و این در حالی است که بیشتر وسایل و اسباب آن فراهم شده است و برای تحقق کامل زمینه های آن تلاش لازم است. بنابراین اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد، باید خود را برای استقبال از آن آماده کند و فعال باشد و گرنه کسی که ادعا می کند انتظار چیزی را دارد و اثری در عمل او نمایان نیست، در واقع ادعای دروغی دارد؛ به عبارت دیگر میوه شیرین و گوارای درخت امید آن گاه به بار می نشیند که با تلاش و فعالیت آبیاری شده باشد. امام علی علیه السلام می فرماید:

لا تكن ممن يرجوا الاخرة بغير عمل^۳

۱. سوره زمر، آیه ۵۳ بفرما ای بندگان من کسانی که زیاده روی کردید در معاصی بر نفوس خود ناامید نشوید از رحمت الهی درستی که خداوند می آموزد گناهان را جمیع آنها را بدرستی که او خود او هم بسیار آمرزنده و هم بسیار رحم کننده است.

۲. سوره یوسف، آیه ۷۸. و مأیوس نباشید از روح خداوند محققاً کسی مأیوس نمی شود از روح الهی مگر قومی که کافر بالله باشند.

۳. نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۱۴۲.

از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوار است.

و نیز هرگز نباید به بهانه امیدوارانه زیستن، انجام امور را به آینده موکول و "حال" را رها کرد؛ یعنی نباید "حال" نقد را فدای "آینده" نسبی و نیامده کرد و فرصت‌ها را از دست داد. پیامبر ﷺ خطاب به ابوذر می‌فرماید:

ای ابوذر! از آن بپرهیز که خیالات و آرزوها سبب شود که کار امروز به فردا بیفکنی، زیرا تو متعلق به امروز و مال امروز هستی نه روزهای نیامده.^۱

بنابر این، نگاه امیدوارانه به آینده با تلاش و فعالیت پیوسته توأم است، در حالی که کارها را به آینده واگذار کردن، رخوت و سستی و تنبلی در زمان حال را که نقد عمر حساب می‌شود به دنبال دارد و این به معنی از دست دادن فرصت‌ها و سرمایه هاست.

اما نکته دیگر در این جا این است که متعلق امید و آرزوی انسان چه باشد و این نقطه، بسیار مهم و تعیین کننده است؛ اگر امید و آرزو از محدوده تنگ دنیای مادی خارج گردد و به آرمانی باقی و ثابت و همیشگی تبدیل شود، آدمی به آرزوی برتر نزدیک شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

من یکن الله أمله یدرک غایة الامل و الرجاء.^۲

قرآن مجید آرزویی را که در جهت ارزش‌های والای انسانی بوده و رنگ الهی به خود گیرد، برترین آرزوها و امیدها دانسته است آن جا که می‌فرماید:

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا و خیر أملا.^۳

این امید متعالی گرچه به خود جامعه عمل نپوشد، ارزش مند است و از روایات استفاده می‌شود که خداوند به مقدار این آرزوها و امیدها، به افراد با ایمان، اجر و پاداش می‌دهد.^۴ جریان انتظار موعود نیز چنین است و امیدواری به ظهور منجی عالم و حاکمیت ارزش‌ها و رفع همه ظلم‌ها در دولت او جریان مبارکی در زندگی بشر است که دستاوردهای فراوانی دارد:

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۷، باب ۴-یا أبا ذرٍّ إناک و التَّشویفُ بِأَمَلِکَ فَإِنَّکَ بَیْئُومُکَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ... (مکارم الاخلاق، ص ۴۵۹)

۲. هر کس خداوند آرزو و آرمانش باشد، نهایت آرزو و امید را دریافته است. (غرر الحکم، ص ۳۷۵).

۳. مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند و ارزش‌های پایدار و شایسته نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امید بخش تر است. (سوره کهف، آیه ۴۶).

۴. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرموده اند: گاهی بنده مؤمن تهی دست می‌گوید: خدایا! به من روزی عطا کن تا فلان کار خیر و نیک را به جا آورم. اگر خداوند در او صدق نیت بداند، تمام اجر و پاداشی را که در صورت رسیدن به این آرزو و انجام کارهای خیر استحقاق پیدا می‌کند، برای او می‌نویسد. (بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۶۱)

۱. (چنان که گذشت) انسان‌ها در دوره طولانی غیبت، به دلیل مشاهده ظلم و جور فراوان در زمین و در محیط زندگی خود، در خطر سرخوردگی و یاس و نومیدی از اصلاح قرار می‌گیرند ولی انتظار موعود مصلح و امیدواری به ظهور و حاکمیت او و فراگیری ارزش‌های الهی، ناامیدی را از بین می‌برد و نگاه روشنی نسبت به آینده به آنها می‌بخشد و این نگاه پایه تفکر و اندیشه انسان معتقد به ظهور موعود خواهد بود.

۲. قدرت اندیشه و تفکر، بر کسی پوشیده نیست. اندیشه نه تنها بر حال انسان، بلکه بر آینده او نیز تأثیر می‌گذارد. تفکر مثبت، تولید انرژی، توانایی و دل‌گرمی می‌کند، چنان که، تفکر منفی موجب اضطراب و تشویش افراد می‌شود. نگاه روشن به آینده، اندیشه و فکر نابی است که امید به اصلاح را تقویت کرده آدمی را در همین مسیر روشن قرار داده و در این راه ثابت قدم نگه می‌دارد.

۳. امیدواری نسبت به آینده و حاکمیت ارزش‌ها در همه زمین، سبب تقویت اراده انسان‌ها در برابر ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها می‌شود و از بروز حالت انفعال در برابر بدی‌ها و بدکاران جلو گیری می‌کند و بدین سان فرآیند شکل‌گیری شخصیت مثبت آدمی تقویت و تضمین می‌گردد.

۴. همین امیدواری به عدالت و پاکی در آینده موجب جلب رحمت الهی و ثواب و پاداش اوست به خلاف حالت یاس و نومیدی که انسان را از رحمت حق محروم می‌کند.^۱

۲. هشدار به مومنان

بیان حوادث آینده در قالب پیشگویی‌های آخرالزمان و دوران پیش از ظهور، هشدار است که در چنین محیطی مومنان مراقب خود و اهل خود باشند و جذب این فساد و آلودگی نگردند و ناخواسته در دام شیاطین جن و انس قرار نگرفته و تکمیل‌کننده پازل آنان نشوند بلکه با حساسیت و دقت، ایمان خود و خانواده خود و حتی محیط زندگی خود را حفظ کنند. این مهم شواهد فراوان روایی دارد از جمله آنها روایت مفصلی است که در اوائل همین مقاله ذکر شد و در عبارات پایانی آن پس از ذکر حوادث تلخ پیش از ظهور آمده است:

و (آنگاه که) ببینی نشانه‌های حق مندرس و کهنه گشته، (در چنین وقتی) خود را واپای و از خدای عز و جل نجات بخواه و بدان که (در چنین وضعی) مردم مورد خشم خدای عز و جل

۱. با این نگاه و تحلیل نسبت به علائم و پیش‌گویی‌ها دیگر لزومی ندارد که علائم را به عنوان نشانه‌هایی برای بیان وقت ظهور بدانیم و بر اساس وقوع آنها و کم و کیف تحقق آنها به حدس و گمان درباره زمان ظهور پردازیم و به وادی خطرناک توقیت بیفتیم بلکه وقوع هر علامت نشانه‌ای برای قطعیت ظهور در آینده و استمرار حالت امیدواری نسبت به آن خواهد بود.

قرار گرفته‌اند و خداوند بخاطر کاری است که بآنها مهلت داده؛ مراقب باش و کوشش کن تا خدای عزوجل تو را بر خلاف آنچه مردم در آنند مشاهده کند تا اگر عذاب بر آنها نازل گردد و تو در میان آنها باشی بسوی رحمت حق شتافته باشی و اگر جدا شوی، آنان گرفتار شوند، و تو از روش آنان و بی‌باکی آنها نسبت بخدای عزوجل بیرون باشی، و بدان که براستی خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نکند، و همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.^۱

عبارت "فَكُنْ مُتَّقِبًا وَاجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ"^۲ به روشنی دلالت دارد که یکی از حکمت‌های بیان این دسته از علائم، هشدار به مومنان است که در این میدان فساد به شدت مراقب خود باشند و بکوشند که در جهت خلاف آن تباهی‌ها و انحراف‌ها حرکت نکنند و عبارت "واجتهد" تأکیدی است بر اینکه حرکت انسان برخلاف جهت گیری عمومی جامعه و پای بندی به دین و لوازم آن در آن شرایط، کاری بس دشوار است که همتی بلند می‌خواهد. و البته یکی از موارد مهم در این عرصه این است که برخلاف اهل فساد و تباهی که در برابر منکرات جامعه سکوت می‌کنند و بلکه همراهی و تایید می‌کنند انسان مومن، علاوه بر اینکه خود را حفظ می‌کند باید در برابر انواع منکرات در جامعه بایستد و این همان نقطه ای است که خداوند دوست دارد او را در آن موضع ببیند و این از مواضعی است که جد و جهد بسیار و صبوری و شکیبایی بر تلخی‌ها و سختی‌ها را می‌طلبد.

با این وصف نتیجه می‌گیریم که معصومین علیهم‌السلام با بیان این پیشگوئی‌ها به دنبال تقویت روحیه ایمانی مومنان و استقامت و صبوری بیشتر ایشان و در نهایت حفظ هویت ایمانی آنان در طوفان سهمگین ناهنجاری‌ها در دوره پیش از ظهور بوده‌اند. روایت زیر یکی از شواهد این حقیقت ناب است.

امام رضا علیه‌السلام از پدرانش علیهم‌السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کرد به تحقیق که امام قائم علیه‌السلام از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست غایب شود تا به غایتی که اکثر مردم بگویند: خدا را در خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حاجتی نیست. و دیگران در اصل ولادت او شک کنند، پس هر کس در زمان او واقع شود بایستی به دین او متمسک شود و به واسطه

۱... وَرَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَاطْلُبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ النَّجَاةَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ إِنَّمَا يُمَهِّلُهُمْ لِأَمْرِ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَّقِبًا وَاجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَ كُنْتَ فِيهِمْ عَجَلْتُمْ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ إِنْ أُجِزَتْ ابْتَلُوا وَ كُنْتَ قَدْ خَرَجْتَ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنَ الْجُزْأَةِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ. (الكافی ج ۸ ص ۳۸)

شک خود راه شیطان را باز نسازد تا شیطان او را از آئین من زایل ساخته و از دین من بیرون برد که او پیش تر پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان را ولی بی ایمانان قرار داده است.^۱

در حوادث بد و بزهکاری های اخلاقی آخر الزمان بر تقوا و دینداری تاکید شده است و این که لازم است منتظران ظهور از شیاطین و وسوسه های او بپرهیزند و شک و شبهه را به ساحت دل و جان خود راه ندهند و این خطر انحراف تا آنجا مهم و جدی است که اهل بیت علیهم السلام راه نجات از این گردنه صعب العبور را دعا و تضرع خالصانه به درگاه خداوند دانسته اند و به ویژه دعاهایی را توصیه فرموده اند که یک نمونه آن حدیث زیر است:

عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود:

به زودی شبهه ای به شما می رسد و در آن بی نشانه هویدا و امام هدایت بمانید و کسی از آن شبهه نجات نمی یابد مگر آنکه دعای غریب را بخواند، گفتم: دعای غریب چگونه است؟ فرمود: می گویی: "یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک" و من گفتم: "یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب و الأبصار ثبت قلبی علی دینک". امام فرمود: خدای تعالی مقلب القلوب و الأبصار است ولیکن همچنان که من گفتم بگو: "یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک".^۲

و البته دعا و التجا به حضرت حق گرچه شرط لازم است ولی به یقین کافی نیست؛ بلکه باید در برابر هجوم شبهات به سنگر دفاعی علم و آگاهی پناه برد و جامعه را در برابر انواع فساد موجود در جامعه واکسینه کرد و از اینجاست که از یکی از وظائف مهم منتظران امام مهدی علیه السلام رقم می خورد که همان کسب معرفت نسبت به امام^۳ و شناخت حقوق آن حضرت بر

۱. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنْ أَبِي الْخَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَنَاثِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُعِيبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدٍ مَعَهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ وَ يَشْكُ أَحْزُونٌ فِي وِلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَيْكِهِ فَيُزِيلَهُ عَنْ مَلِيٍّ وَ يُخْرِجَهُ مِنْ دِينِي فَقَدْ أَخْرَجَ أَبُو بَكْرٍ مِنْ الْجَنَّةِ مَنْ قَبِلَ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الشَّيْطَانِ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ. (كمال الدين ج ۱، ص ۵۱)

۲. عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ قَالَ ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِلاَ عِلْمٍ يَزِي وَ لاَ إِمَامٍ هُدًى وَ لاَ يَنْجُو مِنْهَا إِلاَّ مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيبِ فَلْتُ كَيْفَ دَعَاءِ الْغَرِيبِ قَالَ يَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقُلْتُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. (كمال الدين ج ۲ ص ۳۵۱)

۳. بی شک از مهم ترین عوامل صیانت مومنان در زمان غیبت و حفظ ایشان از فساد آخر الزمان معرفت بایسته به امام و توجه و ارتباط پیوسته با ایشان است که به تقواییبشگی و تربیت الهی انسان کمک زیادی می کند و لذا در روایات آمده است:



ما و تلاش برای جلب رضایت او و زمینه‌سازی برای ظهور او با خودسازی و نیروسازی است و نیز در این عرصه، وظیفه عالمان و دین‌شناسان تلاش بیشتر در جهت معرفی دین و باورهای دینی و زدودن خرافه‌ها و پیرایه‌ها از دامن دین است تا مومنان به واسطه فتنه شیادان به فساد زمانه دچار نشوند و از گردونه بندگی حق به دام شیاطین انس و جن گرفتار نگردند.^۱

آمادگی لازم برای مواجهه مناسب با فتنه‌ها

یک جهت دیگر در بیان این حوادث این است که مومنان در برابر این فساد فراگیر که در روایات پیش‌گویی شده است موضع مناسب و اقدام لازم را انجام داده و حتی پیش‌بینی‌های لازم را داشته باشند.

بدیهی است که آن‌گاه که منکری به صورت موردی و جزئی در جامعه رخ دهد با آن زمان که منکری در جامعه شایع گردیده و به صورت یک جریان فتنه و فساد درآید و دیانت سایر اعضای جامعه را به خطر اندازد تفاوت دارد و نباید برخورد با هر دو مورد یکسان و در یک سطح باشد. گرچه در همه موارد وظیفه همگان امر به معروف و نهی از منکر است و این واجب الهی اگر به وسیله آحاد جامعه به درستی انجام گیرد آثار فراوانی در مهار فسادهای اجتماعی دارد ولی در موارد هجوم فتنه و فساد و عمومی شدن یک جریان باطل، لازم است جریانی وسیع و فراگیر از مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی تشکیل گردد تا بتواند با قوه غالبه، بر آن چیره شده و از دامنه فساد و خسارات آن در جامعه مومنان بکاهد؛ بنابراین انتظار می‌رود که دولت اسلامی با ارائه لوایح و پی‌گیری‌های جدی و حتی در صورت لزوم، با تاسیس وزارت خانه و تمرکز قوا و

عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَقَالَ يَا فَضَيْلُ اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَشْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا تَحْتَ لِوَائِهِ وَ رَوَاهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا بِمَنْزِلَةِ مَنْ اشْتَشَهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۱ به نقل از الغيبة نعمانی).

۱. در روایات متعدد این مهم توسط امامان تبیین گردیده است مانند این روایت:

از امام رضا علیه السلام نقل است که فرموده: روز قیامت به عابد گویند: «آفرین! چه آدم خوبی! خودت را نجات دادی و هیچ کاری به دیگران نداشتی. پس داخل بهشت شو. آگاه باشید که فقیه کسی است که خیرش را به همه مردم می‌رساند، و از دست دشمنانشان می‌رهاند. و برای آنان نعمتهای بهشت خدایی را تمام و کمال دریافت می‌کند، و رضوان الهی را برایشان بدست می‌آورد. و به فقیه گفته شود: ای سرپرست ایتم آل محمد، دوستدار ضعفای شیعه و موالی آنان، بایست تا شفاعتت را مشمول هر که از تو تحصیل کرده و دانشی آموخته، نمایی، پس می‌ایستد و گروه گروه؛ تا ده گروه صد هزار نفری را وارد بهشت می‌کند، و ایشان همان افراد علم آموخته و شاگرد او تا روز قیامتند، حال تفاوت میان دو جایگاه [عابد و فقیه] را بنگرید! (احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۹)

بسیج نیروها به سامان دهی امر جامعه و مقابله نظام مند با فساد عمومی بپردازد و نیز در مسیر مقابله با فساد عمومی از همه ابزار وامکانات خود و به ویژه از انواع رسانه‌ها وامکانات هنری مانند سینما و تلویزیون در جهت مقابله با فساد اجتماعی کمک بگیرد و نیز از همه اصحاب فکر و اندیشه و صاحبان ایده‌ها و طرح‌ها و نیروی آحاد جامعه بهره گرفته و دلسوزان در این عرصه را تشویق و ترغیب کند و انگیزه‌ها را به اشکال مختلف تقویت کند.

برای مثال وقتی در حوزه روابط اجتماعی، روایات پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام از گسترش فساد در رابطه بین زنان و مردان در آخرالزمان و دوران پیش از ظهور خبر داده است، این پیش‌گویی به منزله هشدار به مومنان است که در برابر چنین وضع نابهنجاری که پیامدهای خطرناک برای دین و دیانت مردم و به ویژه جوانان جامعه دارد خود را آماده کنند و در این میان، مدیران فرهنگی جامعه در بخش‌های مختلف باید برای مهار این بحران اجتماعی که خود بحران‌های دیگری را به دنبال دارد برنامه‌ای مدون داشته باشند تا پیامدهای این مفسد را به حداقل برسانند. امروز در کنار همه رسانه‌های دیداری و شنیداری، شبکه‌های وسیع اجتماعی که از طریق گوشی‌های همراه به آسانی و سرعت در دسترس همگان است سبب تقویت جبهه شیطان در ترویج بدی‌ها و منکرات گردیده است که مقابله با آن مدیریت مستقل و توانمندی را می‌طلبد. تبلیغات عمومی برای تنویر افکار عمومی و آموزش خانواده‌ها و تقویت روابط عاطفی پدران و مادران با فرزندان و تلاش برای سامان دادن ازدواج آسان و بهنگام جوانان و نیز فراهم آوری زمینه اشتغال مناسب برای پسران به ویژه متاهلین آنها - به عنوان نان آور خانواده - برخی از فعالیت‌های متولیان جامعه و خانواده‌هاست. و البته تلاش برای بیدار کردن احساس تعهد اجتماعی در آحاد جامعه و توسعه فریضه امر به معروف و نهی از منکر و بالا بردن تحمل افراد در پذیرش انتقاد از دیگران و نصیحت‌پذیری و تأمل و تدبر و عقلانیت برای اصلاح خود و دیگران و... نیز بخش دیگری از فعالیت‌های فرهنگی مدیران امر است.

در حوزه روابط اقتصادی و فساد در حوزه تجارت و کسب نیز لازم است اولاً عالمان ربانی در میان قشرهای مختلف مردم احکام حلال و حرام و مکاسب محرمه و نیز پیامدهای رشوه و ربا و معاملات نامشروع را بیان کرده و رسانه‌های جمعی مختلف به انعکاس کامل آن در بهترین شکل اطلاع‌رسانی بپردازند و ثانیاً دولت اسلامی بستر مناسب برای کار و فعالیت و تجارت حلال و مشروع ایجاد کرده، از بخش تولید و اجزاء تابع آن حمایت جدی داشته باشد و البته با قوه قهریه، حدود و تعزیرات اسلامی را درباره متخلفان و بزهکاران در بخش‌های مختلف بازار جامعه، به اجرا گذارد.

تبلیغات گسترده و نظام مند

برای مقابله با فساد آخر الزمان که در روایات به صورت پیش گویی بیان شده است علاوه بر مبارزه و مقابله فراگیر با فساد باید جریان ارزش‌ها و هنجارها را در جامعه تقویت کرد. در واقع بیان جزئیات بزهکاری و فسادهای جامعه پیش از ظهور در روایات، نوعی هشدار است که ارزش‌های اخلاقی در آن زمان کمرنگ و بی رونق خواهد شد پس به زبان دیگر همگان موظف می‌شوند که برای احیاء و گسترش معروف‌ها کار کنند. در این عرصه هم مبلغان دینی و حوزه‌ها و نهادهای مرتبط با آنها و هم دانشگاهیان و زیر مجموعه‌های آنها و هم دولت اسلامی با همه امکانات تبلیغی و ترویجی خود وظیفه سنگینی دارند که نمونه‌هایی از آن عبارتست از: راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و تاسیس شبکه‌های موثر رادیو و تلویزیونی و تقویت وزارتخانه‌های فرهنگی مانند فرهنگ و ارشاد، آموزش عالی و آموزش و پرورش و نیز حمایت از افراد و نهادهای تبلیغی و...

نتیجه‌گیری

بحث درباره پیشگویی‌های معصومین نسبت به وضعیت عمومی مردم در آخر الزمان بحث دامنه داری است که می‌تواند موضوع یک رساله علمی قرار گیرد و در این مقاله تلاش شد ضمن بیان ابعاد مختلف این موضوع، درباره فلسفه بیان این قسم از پیشگویی‌ها بیشتر بحث شود که البته این بخش می‌تواند بیش از این مورد عنایت محققان قرار گیرد و نتایج علمی و عملی بیشتری را به دنبال داشته باشد.

منابع

- کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- کمال الدین، ابن بابویه محمد بن علی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ق.
- وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسة آل البيت علیہ السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- الغیبة، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
- امالی، طوسی، محمد بن الحسن، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
- احتجاج، طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
- مکارم الاخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

میزان

سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵